



مرکز مطالعات استراتژیک و منطقی

تجارب هفته

شماره: 419

(از 22 الی 28 میزان 1402 هـ ش)

عملیات تاریخی طوفان اقصی و انعکاسات آن در افغانستان



این نشریه هفته‌وار، تحلیل رویدادهای مهم سیاسی، اقتصادی، امنیتی و اجتماعی افغانستان و منطقه است که به زبان‌های پشتو، دری، انگلیسی و عربی توسط مرکز مطالعات استراتژیک و منطقی تهیه و نشر می‌گردد.

آنچه درین شماره می خوانید:

- عملیات تاریخی طوفان اقصی و انعکاسات آن در افغانستان..... 3.....
- عکس العمل ها و موقف گیری های رسمی..... 3.....
- تأیید مردمی..... 5.....
- افغان ها و فلسطین..... 6.....
- مسئولیت افغان ها در قبال قضیه فلسطین..... 8.....

Center for Strategic and Regional Studies (CSRS)



عملیات تاریخی طوفان اقصی و انعکاسات آن در افغانستان

طوفان اقصی چگونه آغاز یافت؟

صبح روز شنبه 15 میزان 1402 ه ش / 7 اکتوبر 2023 م طوفان اقصی منطقه شرق میانه را تکان داد. این طوفان که توسط کتائب عزالدین قسام، شاخه نظامی حرکت مقاومت اسلامی "حماس" از داخل غزه محصور به راه افتیده بود، به شکل بسیار ماهرانه و حرفوی، از هوا، زمین و بحر سرزمین های اشغالی نزدیک غزه را مورد هدف قرار داد. طی این عملیات، مبارزین حماس، خود را به جبهه عقبی تأسیسات نظامی رژیم اشغالگر (فلسطین اشغالی) در جوار غزه رسانیده، 9 مرکز نظامی را مورد هدف قرار داده نیروهای نظامی موجود درین مراکز را کشته و اسیر ساختند. آنها همچنان وارد تعدادی از شهرک های یهودی نشین در غلاف غزه گردیدند تا ضمن قدرت نمایی، به آنها بفهمانند که دیگر فلسطین جای امنی برای آنها نیست و بهتر است هرچه زودتر، آنرا به مالکان اصلی اش واگذار نمایند.

رژیم اشغالگر با حمایت امریکا و جهان غرب، همچنان بر پالیسی ظالمانه، اشغالگرانه و وحشیانه خویش ادامه داده، و عرصه زندگی را بر ساکنان اصلی سرزمین تنگ تر می کند. بر مقدسات اسلامی تجاوز کرده، مسلمانان را در داخل مسجد اقصی آزار و اذیت نموده و هر چند گاهی یهودیان افراطگر و کینه توز با حمایت رژیم بر حریم مسجد تجاوز کرده و آنان را از نماز و عبادت باز می دارند. بر شهرک ها و شهرهای متعدد تجاوز نموده و با حملات نظامی هر چند گاهی تعدادی از فلسطینیان را اعم از جوانان، سالمندان، زنان و کودکان را به قتل می رساند. اما سکوت جامعه جهانی با همه سازمان های حقوق بشر و افزایش تجاوزات و کشتارهای رژیم اشغالگر صهیونیستی کاسه صبر دلاوران فلسطین را لبریز نمود و بالاخره به یک حمله دلاورمردانه دست زدند.

حمله به حدی غافلگیرانه، سریع و خرد کننده بود که در نتیجه آن، رهبری سیاسی، اردو و استخبارات رژیم اشغالگر، توازن خود را باخته و سرگیجه شدند. تا 72 ساعت بعد از شروع عملیات، ابتکار کاملاً در دست مهاجمان حماس بود و قیادت نظامی اسرائیل اصلاً توان تصمیم گیری را از دست داده بود. صدر اعظم نتنیاهاو نیز حواس خود را باخته بود و به جز بیانات تهدید آمیز و میان خالی، چیز دیگری در صحبت هایش یافت نمی شد. جلسات کابینه کلان و به تعقیب آن جلسات متعدد کابینه خورد صورت گرفت، اما هیچ تصمیم واضحی از آن بیرون نگردید.

عکس العمل ها و موقف گیری های رسمی

از آغاز عملیات طوفان اقصی، بنیامین نتنیاهاو صدر اعظم حکومت راست گرای رژیم اشغالگر با زعمای کشورهای مختلف، در راس آن امریکا و دول اروپایی در تماس بود. بزرگترین دغدغه رهبری رژیم



اشغالگر بعد از حمله حماس از غزه، ترس ازین بود که نشود حملات مشابه از جانب گروه های دیگر مسلح، از مرزهای لبنان و سوریه نیز علیه رژیم اشغالگر، آغاز شود.

در چنین لحظات دشوار، کشورهای اروپایی و ایالات متحده آمریکا به حمایت رژیم اشغالگر شتافتند، جو بایدن رئیس جمهور آمریکا که به بهانه اشغال بخش هایی از اوکراین توسط روسیه، جانب اوکراین را گرفته است، برخلاف تمام موازین انسانی به نتیا هو چک سفید داد که از هر نوع عملیات انتقامی رژیم اشغالگر بالای مردم غزه حمایت خواهد نمود. رئیس جمهور آمریکا به این هم بسنده نکرد و اعلان نمود که کشتی تیاره بردار جیرالد فورد را بخاطر حمایت رژیم اشغالگر به شرق میانه خواهد فرستاد. رئیس جمهور آمریکا هم چنان به خاطر اطمینان ایران تلویحاً گفت که منظور از ارسال کشتی تیاره بردار، اشتراک در جنگ نیست، بلکه حمایت از اسرائیل می باشد. ایران که این پیام واضح را گرفت، به نوبه خودش آمریکا و رژیم اشغالگر را مطمئن ساخت که تا مورد حمله قرار نگیرد، بالای رژیم اشغالگر حمله نخواهد کرد. هرچند حزب الله لبنان؛ متحد نزدیک ایران، به یک سلسله عملیات نمایشی از 8 اکتوبر به بعد علیه رژیم اشغالگر اقدام نمود، اما این عملیات نه با ظرفیت جنگی حزب الله متناسب بود و نه هم از فشار بمباردمان هوایی وحشیانه رژیم اشغالگر چیزی را کم می ساخت که به شکل بیست و چهار ساعته بالای مردم بی دفاع غزه دوام داشت. به این ترتیب ایران که مدعی آزادی قدس است، به شمول گروه های مسلح متحد آن در منطقه، درین معرکه تاریخی آزادی فلسطین، بی طرف باقی ماندند. برای همین جرأت رژیم اشغالگر بر رفتار وحشیانه اش زیادتر گردید و بمباردمان کور خانه هایی که در آن زنان و اطفال بودند را با وحشت بیشتر ادامه داد و قربانیان این حملات ۷۰ فیصد آن را همین زنان و کودکان تشکیل می دهد. رژیم اشغالی برای سرپوش گذاشتن بر این شکست تاریخی به گونه عمد و با حمایت سردمداران آزادی و دفاع از حقوق زن و طفل، آنان را هدف قرار می دهد تا آن که حمله خویش را بر شفاخانه ای که متبای اطفال و زنان در آن تداوی می گردید، را مورد حمله قرار داد و یک کشتارگاه خونینی را رقم زد که بر صفحه ی خونین و وحشی گری تاریخ نزدیک به یک قرن خویش، حیوانیت خویش را مهر تایید گذاشت.

درین میان موقف کشورهای اسلامی؛ عربی و غیر عربی؛ سعودی، مصر، سودان، اردن، پاکستان، ترکیه، مالیزیا، اندونیزیا و... واقعاً خجالت آور است، جاییکه نه تنها هیچ صدایی قوی به حمایت از حقوق حقه مردم فلسطین و مبارزه برحق شان بر ضد اشغال این رژیم وحشی بلند نشد، بلکه با سکوت مرگبار و بیانیه های بی روح دیپلماتیک، به اسرائیل فرصت داده شد تا هرچه در توان دارد، برضد حرکت حماس و مردم غزه انجام دهند. البته، حکومت قطر و کویت قابل قدر است که خواهان توقف فوری حملات هوایی رژیم اشغالگر بالای غزه و ارسال عاجل کمک های انسانی به داخل آن گردید. موقف سعودی نیز این بار بهتر از دفعات قبل بود اما برخلاف توقع، رجب طیب اردوغان؛ رئیس جمهور ترکیه موقف قوی ای در برابر حملات وحشیانه رژیم اشغالگر علیه غزه نگرفت، هرچند، این حملات را وحشیانه و ضد انسانی خواند، اما از لهجه ای که در مراتب

گذشته بر ضد این رژیم به کار می‌برد، خبری نبود. شاید مشکلات اقتصادی ترکیه و توقع همکاری امریکا و متحدینش، دلیل اصلی این موقف ضعیف بوده باشد، اما مردم غزه و ملت‌های مسلمان، هیچ‌گاهی این موقف بزدلانه را برای شخصیتی به وزن اردوغان نخواهند بخشید.

تأیید مردمی

الحمد لله که امت اسلامی یک امت زنده است، با وصف تسلط حکومت‌های استبدادی و وابسته به غرب، در قضایای امت اسلامی مطابق تقاضای ایمان و با ضمیر بیدار، عمل می‌نمایند. این تفاعل مثبت ملت‌های مسلمان از همان آغاز عملیات طوفان اقصی، از طریق رسانه‌ها و صفحات اجتماعی، انعکاس وسیع یافت. آنها پیروزی حماس در انجام عملیات غافلگیرانه علیه مراکز نظامی رژیم اشغالگر را به ملت فلسطین تبریک گفته و آن را تحلیل نمودند. از وقتی که حملات وحشیانه و انتقامی رژیم اشغالگر بالای غزه شروع شد، ملت‌های مسلمان به جاده‌ها ریخته، نفرت و انزجار شدید شانرا ازین عملیات وحشیانه، به پیمانۀ وسیعی به نمایش گذاشتند، برای حفاظت از غزه و اهل آن، شب و روز دست به دعاء به درگاه الله قادر و توانا شدند و حمایت بیدریغ شانرا از غزه و داعیۀ برحق مردم فلسطین، به شیوه‌های مختلف، به نمایش گذاشتند.

الحمد لله که درین کشمکش حق و باطل، جای مردم مجاهد افغانستان نیز خالی نبود، از همان لحظات اول طوفان اقصی، صفحات اجتماعی افغان‌ها از پیام‌های تبریکی برای مجاهدین حماس پرگردید و شعارهای مرگ بر اسرائیل و مرگ بر امریکا، صفحات مجازی را پر ساخت. اکثریت قاطع افغان‌ها از مجاهدین حماس و مردم غزه حمایت نموده، تنفر و انزجارشان را از بمباردمان کور و حملات وحشیانه هوایی رژیم اشغالگر برغزه ابراز نمودند. روز جمعه 21 میزان (13 اکتوبر)، در تمام شهرهای کلان، تظاهرات مردمی بزرگی ضد تجاوز هوایی رژیم اشغالگر و به حمایت از مردم غزه به راه انداخته شد. شهرهای کابل، جلال‌آباد، نیمروز و غور شاهد تجمعات اعتراضی بزرگ مردم افغانستان بر ضد تجاوز رژیم اشغالگر بر نوار غزه بود. در تظاهرات کابل که جمع کثیری از اهالی شهر کابل و ولسوالیها، استادان پوهنتون‌ها، جوانان، علماء و مجاهدین در آن حضور یافته بودند، بعد از نماز جمعه، در مقابل مسجد تاریخی عیدگاه کابل که رمز استقلال و آزاده‌گی می‌باشد، دائر گردید. سخنرانان به نمایندگی از اطیاف مختلف جامعه صحبت نموده حمایت عام و تام شان را از حماس و مردم غزه اعلان نموده، آنها قضیۀ قدس را قضیۀ امت اسلامی و مبارزه بخاطر آزاد سازی آن را کار هر افغان با غیرت دانستند. مشارکین تظاهرات، ضمن این تجمع، شعارهای مرگ بر اسرائیل و مرگ بر امریکا را سر داده و پرچم رژیم اشغالگر را آتش زدند.



افغان ها و فلسطین

ارتباط افغان ها به سرزمین اسراء و معراج، فلسطین و بیت المقدس، ارتباطی قدیمی است. در عصر خلافت عثمانی، حجاج افغان که تعداد شان به هزار ها می رسید، در راه سفر به مکه معظمه و بازگشت از آن، در بیت المقدس بخاطر استراحت و زیارت مسجد اقصی، توقف می نمودند. در سال 1043 ه ق، تعدادی از افغان ها خانقاهی را به نام خانقاه افغانی "الزاویة الأفغانیة" در نزدیکی "باب الغوانمه" یکی از دروازه های مسجد اقصی، اعمار نمودند که از طرف والی عثمانی وقت؛ محمود باشا، شامل اوقاف قدس گردید و تا حالا نیز فعال است. خانقاه افغانی، دارای یک مسجد و دوازده باب اطاق کوچک است که در مواسم حج برای خدمت حجاج افغان و در غیر آن برای تدویر حلقات ذکر، مورد استفاده قرار می گرفت. این خانقاه در کنار خانقاه بخارا و خانقاه هند، از مسلمانان آسیای مرکزی و جنوبی، ضمن سفر حج استقبال گرم نموده و به خدمت آنها می پرداخت. آنوقت ها افغانستان ضمن قلمرو خلافت عثمانی قرار داشت و افغان ها به آزادی کامل به سرزمین فلسطین رفت و آمد می کردند. از همان وقت، تعدادی از فامیل های افغان در شهر ساحلی "یافا" سکونت داشتند، اما با ظهور صهیونستان و وقوع فاجعه 1948م، افغان های فلسطینی به شهر های دیگری چون نابلس، قلقیلیه و قدس نیز مهاجرت نمودند که تا حالا نیز آنجا می باشند. خانقاه افغانی در بیت المقدس به نام خانقاه قادریه؛ منسوب به شیخ عبدالقادر جیلانی رح نیز یاد می گردد. از مشایخ سابقه دار این خانقاه، یکی هم حاجی عبدالله فرزند رحمدل شاه افغانی از موالید قره باغ غزنی بود و از 1938م تا وقت وفات (1979م) در منصب ارشاد این خانقاه باقی ماند. خانقاه افغانی تا هنوز هم فعال است و شیخ عبدالکریم افغانی مسئولیت آنرا دارد، جایکه حلقات ذکر هفته وار و برنامه های دینی سالانه نیز برگزار می گردد.¹

و اما افغان های داخل کشور، الحمد لله با قضایای امت اسلامی و در رأس آن قضیه فلسطین و مسجد الأقصى، تعاطف شدید داشته، آنچه در توان داشته اند، درین عرصه دریغ نکرده اند. افغان ها دفاع از فلسطین به عنوان قبله اول و سومین حرم مقدس اسلامی را، عبادت و جزء ثوابت دین می دانند. به همین خاطر از همان آغاز، با رژیم صهیونیستی دشمنی داشته، مجاهدین فلسطین و مرابطین در اقصی را دوست می دارند.

این تعاطف سابقه طولانی دارد و به زمانی میرسد که محمد هارون المجددی، فرزند مرحوم محمد صادق المجددی؛ سفیر افغانستان در مصر، عملاً در صفوف مجاهدین اخوان المسلمین برضد نیروهای انگلیسی مدافع اسرائیل در جنگ های کانال سویز شرکت نمود، وی بعداً به همین جرم در مصر به زندان انداخته

¹ <https://www.aljazeera.net/news/alquds/2016/7/18/-الزاویة-الأفغانیة-بالمقدس-اعتزال>



شد. در اواسط حکومت محمد ظاهر شاه؛ آخرین پادشاه افغانستان، علماء و مبارزین مسلمان در کابل، برای مجاهدین قدس از مردم کمک مالی جمع می نمودند و درمساجد بخاطر کامیابی شان دعای اجتماعی صورت می گرفت و در اواخر رژیم سلطنتی که موج بیداری اسلامی به پوهنتون ها و مجامع علمی افغانستان نیز رسیده بود، دفاع از قدس و عدم اعتراف به مشروعیت رژیم صهیونیستی، از مواقف ثابت جنبش جوانان مسلمان افغانستان بود و ضمن تظاهرات خیابانی و مقالات و مکتوبات شان، شعار مرگ بر اسرائیل و زنده باد قدس، همیشه سرداده می شد.

بعد از کودتای ثور 1357م و تجاوز وحشیانه اردوی سرخ به سرزمین افغانستان، هزاران تن از جوانان غیور و علمای با درد امت اسلامی به پاکستان رفته و با قافله های مجاهدین وارد افغانستان گردیده و در جهاد مقدس علیه قشون سرخ شریک شدند. صد ها تن از فرزندان فلسطین نیز شامل این جوانان فداکار بودند که به جبهات مختلف افغانستان رفتند و مردانه جنگیدند، تا اینکه ده ها تن آنها در سنگرهای گرم جهاد به شهادت رسیدند و خون های پاک شان با خون شهدای افغانستان یکجا گردیده، رابطه اخوی میان دو ملت فلسطینی و افغان را هنوز هم مستحکم تر ساخت. در اواسط دهه هشتاد میلادی که جهاد علیه شوروی وقت به مرحله حساسی رسیده بود؛ عالم و دعوتگر شهیر فلسطین، دکتر عبدالله عزام رحمه الله، به کمک مجاهدین افغان شتافت و با ایجاد مکتب خدمات مجاهدین، گام بزرگی را در جهت جمع آوری و تنسیق کمک ها بخاطر پیروزی جهاد افغانستان گذاشت. وی با تمکن علمی ایکه داشت، جهاد افغانستان را فرض عین برای تمام آنائیکه قادر به این کار می باشند، خواند و با این فتوای تاریخی خود توانست، افراد، نهاد ها و جریانات فکری و سیاسی زیادی را در کنار جهاد افغانستان ایستاده نماید، همانطوری که به برکت کوشش دوامدار استاد عزام، امکانات وسیع از کشور های مختلف اسلامی، به خاطر جهاد افغانستان در داخل و مهاجرین افغان در خارج، سرازیر گردید.

در (1987م) که هنوز عبدالله عزام رحمه الله در سرزمین هجرت بود، حرکت مقاومت اسلامی حماس که زعیم روحی بزرگ آن، شیخ احمد یاسین بود، تأسیس یافت و حرکت مبارک انتفاضه اول در داخل فلسطین اشغالی به راه افتید. وی نیز آرزومند بود تا بعد از پیروزی جهاد افغانستان به وطنش بازگشته و در خدمت انتفاضه مبارک قرار گیرد. ولی دشمنان آزادی و انسانیت، نگذاشتند که تحقق آرمان هایش را به چشم خود ببیند، چنانچه در 24 نوامبر 1989م، به اثر انفجار مابین کنار جاده، با دو تن از فرزندانش محمد و ابراهیم، در شهر پشاور پاکستان مظلومانه جام شهادت نوشید. درست که عبدالله عزام شهید موفق نشد که به حرکت انتفاضه جدید بپیوندد، ولی ده ها تن از مجاهدین دست پرورده وی که در ساحات قتال برضد قشون سرخ، علاوه بر کسب تجربه، قوت بدنی و مهارت رزمی کسب نموده بودند، آهسته، آهسته سرزمین هجرت را ترک نموده و در خدمت مقاومت فلسطین قرار گرفتند.



مسئولیت افغان ها در قبال قضیه فلسطین

با وصف ارتباطات دینی تاریخی ای که مردم افغانستان با فلسطین دارند و با وجود احساسات نیکی که با مقاومت جاری مجاهدین غزه، ضد تهاجم رژیم اشغالگر دارند، هنوز هم مساحات خالی ای در این رابطه وجود دارد که باید پر ساخته شود. مهمترین این مساحات قرار ذیل می باشد:

1. کوتاهی در رسیدن به اخبار درست:

متأسفانه بیشتر افغان ها، به خصوص فعالان اجتماعی و گرداننده گان رسانه ها، به علت عدم آشنایی با زبان عربی، اخبار مربوط به شرق میانه به صورت عموم و اخبار مربوط به روابط فلسطینی ها و رژیم اشغالگر را به طور خصوص از منابع فارسی و انگلیسی ای می گیرند که به نحوی در خدمت سیاست های این رژیم قرار دارند. رژیم اشغالگر به کمک اموال بی حسابش، شبکه های رسانه ای زیادی، به خصوص شبکه های رسانه ای غربی را تحت تأثیر خود دارد و از این طریق می خواهد روی سیاهش را در جهان سپید سازد. رژیم اشغالگر از طریق سرمایه گذاری بر رسانه ها، می خواهد در هر برخورد و معرکه ای در برابر فلسطینی ها، به شمول حملات اخیر بالای غزه، خود را مظلوم نشان دهد و فلسطینی ها و مجاهدین آزادی فلسطین را که جنگ عادلانه ای را پیش می برند، ظالم به تصویر کشد. گاهی قضاوت های نادرست ناشی از معلومات نادرست، از رسانه ها و شخصیت های سنجیده کشور ما در مورد فلسطین مشاهده می گردد که نباید چنین باشد. حد اقل باید بدانیم که شبکه های وابسته چون افغانستان انترنشنل و شبکه من و تو، و قبل از آنها، بی بی سی و صدای امریکا، شبکه های قابل اعتماد در این زمینه نیستند. در عوض می توانیم به تلویزیون انگلیسی الجزیره اعتماد نماییم اگر با زبان عربی بلد نیستیم. علاوه برین، شبکه رسانه ای مقاومت فلسطین بسیار گسترده و متنوع است، در اثر جستجو می توان به آسانی خود را به منابع دست اول و قابل اعتماد در مورد فلسطین، رسانید.

2. نقص آگاهی در مورد طبیعت و تاریخچه جنگ:

بسیاری از افغان های نسل نو، متأسفانه تا هنوز نمی دانند که اسرائیل یک دولت غیر مشروع بوده به همکاری اروپاییها، به خصوص انگلیس، در قلب عالم اسلامی، به خاطر اهداف استعماری زرع گردیده است. انگلیس با مشتعل ساختن جنگ جهانی اول، در پایان دادن به خلافت عثمانی نقش خائنه ای را بازی کرد، و روی ایجاد این رژیم اشغالگر بخاطر جدا کردن بخش افریقایی و عربی جهان اسلام، از بقیه اجزای آن که قبلاً همه زیر مرکزیت سیاسی خلافت عثمانی، متحد بودند، کار نمود. جای تعجب است که وزیر خارجه انگلیس (بلفور) حتی قبل از سقوط خلافت عثمانی در سال 1916م به حرکت صهیونستی عالمی وعده داد که صاحب حکومتی در فلسطین خواهند شد، و این از مسخره ترین وعده های تاریخ است، زیرا که ضمن این اعلان، کسی که صاحب چیزی نیست، آنرا

به کسی وعده می دهد که مالک آن نیست. درین هنگام فلسطین زیر حاکمیت خلافت عثمانی قرار داشت و تعداد بسیار اندکی از یهود در آن زندگی می کردند. در فاصله میان دو جنگ جهانی، انگلیس که بخش اعظم فلسطین را بعد از سقوط دولت عثمانی زیر سلطه خود آورده بود، به همکاری حرکت صهیونستی جهانی، ده ها هزار یهود را از کشورهای مختلف دنیا به فلسطین انتقال داد، آنها را تسلیح و تریننگ نمود و به جنگ ضد ساکنان اصلی فلسطین تشویق و تمویل نمود. در عین حال، به بهانه های مختلف، سلاح را از دست فلسطینی ها جمع نموده و امکانات هر نوع نمو و انکشاف اجتماعی را نیز از ایشان صلب نمود. با وصف تمام کوشش های انگلیس بخاطر به دست آوردن سرزمین فلسطین برای یهودی ها، در سال (1948م) فقط 3 فیصد از خاک فلسطین در اختیار آنها قرار داشت و بقیه همه مال فلسطینی ها بود.

3. عدم آگاهی در مورد ماهیت حرکت صهیونستی جهانی:

باید بدانیم که رابطه مستقیمی میان وجود رژیم اشغالگر در قلب سرزمین اسلامی و حفاظت از منافع غرب درین منطقه وجود دارد. غرب، بعد از پایان یافتن دور استعمار قدیم و قوت گرفتن حرکت استعمار زدایی در عالم اسلامی، مجبور بود بخاطر متفرق نگهداشتن دنیای عرب و دوام غارت ثروت های سرشار این منطقه نفت خیز، در کنار نصب قیادت های وابسته درین منطقه، وجود نا متناجسی را در آنجا زرع کند که نه از لحاظ دینی و تاریخی با نسبیج موجود در منطقه همخوانی داشته باشد و نه هم دوام آن بدون کمک غرب ممکن باشد. غرب ازین کار، دو هدف کلان داشت، یکی دوام تسلط سیاسی و اقتصادی در منطقه، دوم از بین بردن چانس خیزش و نهضت دوباره جهان اسلام و قیام آن در برابر غرب، بعد از سقوط خلافت عثمانی. بناءً رژیم صهیونیستی دولت اشغالگری است که جبراً و به اساس یک توطئه، بر سرزمین فلسطین مسلط ساخته شده است. این کیان نامشروع، بخاطر زنده ماندنش به کمک غرب نیاز دارد و غرب هم بخاطر منافع استراتژیک خودش، به شکل قوی در کنار آن ایستاده است. اولین شرط کمک امریکا به یکی از دول خلیجی و کشورهای شرق میانه همین است که متعهد به امنیت رژیم اشغالگر بوده باشد، به همین خاطر، امریکا و کشورهای مقتدر اروپایی علناً و با تمام قوا در کنار رژیم اشغالگر قرار دارند و هر جنایت آنرا توجیه می کنند، اما با صد تأسف که کشورهای عربی، بخاطر روابط شان با امریکا و غرب و به علت ترس از رژیم اشغالگر، یک قدم جدی هم در مورد دفاع از فلسطین و حقوق فلسطینی ها بر نمی دارند و نه هم با صراحت، جنایات رژیم صهیونستی را تقبیح می نمایند.

4. انتقال از کلام به عمل:

جنبش آزادی فلسطین به مرحله اساسی رسیده و نشانه های سقوط رژیم اشغالگر از داخل، به وضوح مشاهده می شود، که آخرین نشانه آن عملیات طوفان آن، طوفان اقصای حماس با تلفات بیش از 270 سرباز و افسر رژیم صهیونیستی، اسیر شدن بیش از 200 و زخمی شدن هزاران تن دیگر



می‌باشد. رژیم اشغالگر در اثر این عملیات غافلگیرانه، تصویری را که از خود به عنوان قوی‌ترین کشور منطقه، به جهانیان تقدیم نموده بود، از بین رفت. زیرا که نه اردوی به اصطلاح "شکست ناپذیر" آن کاری در برابر مجاهدین توانست و نه هم استخبارات قوی آن موفق شد از وقوع حمله، اطلاعات قبلی به دست آرد. در مقابل چنین عملیات کامیاب، رژیم اشغالگر تصمیم گرفته بخاطر اعاده حیثیت از دست رفته، کار روایی انتقامی‌ای را به راه اندازد که اهداف مهم آن چنین است:

- بمباردمان وحشیانه هوایی بخاطر توییح مردم غزه به اینکه چرا از طوفان اقصی و حرکت‌های مسلح ضد اسرائیل، حمایت می‌نمایند.
- افزایش تلفات فلسطینی‌ها به دو یا سه چند تلفات اسرائیلی‌ها، تا به اصطلاح بینی خمیری‌ای برای خودشان بسازند و حکومت لرزان صدر اعظم نتنیا‌هو از هم نپاشد.
- مجبور ساختن ساکنین مناطق شمال غزه، به مهاجرت به جنوب آن، به نیت راندن دائمی آنها به خارج از فلسطین درست مانند آنچه که در جنگ 1948م انجام دادند و در اثر آن، مهاجرت‌های موقت فلسطینی‌ها بخاطر جنگ، به مهاجرت‌های دائمی به خارج از فلسطین مبدل گردید.
- محروم کردن حرکت مقاومت فلسطین و مجاهدین حماس از حمایت مردمی، داخل ساختن آنها در لیست جریان‌ات تروریست (به تعبیر غرب و به کمک آن) در سطح سیاسی و محو‌نهایی آنها در شمال غزه، به وسیله استعمال خطرناک‌ترین انواع اسلحه، به شمول سلاح تقلیدی ممنوعه. ناگفته نماند که در وضعیت کنونی، اغلب افراد و طرفداران رژیم اشغالگر، اقدام به جنگ زمینی و دخول به غزه را به عنوان خود کشی و انتحار برای اردوی مورال باخته این رژیم می‌دانند.
- در چنین شرائطی، بی تفاوت نشستن و تنها به تأیید زبانی و دعا اکتفا کردن برای هیچ مسلمانی، به خصوص مردم عدالت خواه و صلح پسند افغانستان، مناسب نمی‌باشد. کمک مالی درین وقت، بزرگترین ضرورت غزه، بخاطر تهیه مواد غذایی، تیمارداری بیماران، خدمت بی جا شده گان وغیره حاجات انسانی می‌باشد. افغان‌هایی که توان دارند، در کنار کمک به زلزله زده گان غرب کشور، باید از طریق مؤسسات خیری مطمئن فلسطینی‌ها که در کشورهای مختلف جهان فعال است، کمک‌های بشری‌شان را برای مردم فلسطین، برسانند. و طبعاً همه می‌دانیم که جهاد بالمال، در فضیلت خود، کمتر از جهاد میدان نیست. دومین مسئولیت عامه افغان‌ها، کوشش در جهت درک درست قضیه فلسطین، فهم دقیق اوضاع جاری و در نتیجه آن، تأیید قوی مقاومت در غزه و تقبیح جنایات رژیم اشغالگر بر مردم غزه و کل فلسطین می‌باشد. در کنار این، امارت اسلامی افغانستان باید به شکل دوامدار، جنایت‌های روزمره اردوی رژیم اشغالگر علیه مردم غزه را تقبیح نموده، شرکای جنایت این رژیم، به شمول امریکا و دول اروپایی را از دخول در دشمنی آشکار با ملت‌های مسلمان، برحذر دارد. با وصف عدم اعتراف جهان به امارت اسلامی، باز هم با تصویر خوبی که به عنوان

شکست دهنده آمریکا در اذهان جهانیان دارند، چنین موافقی، تأثیر مثبت خود را به نفع آزادی فلسطین و روسیاهی بیشتر رژیم صهیونیستی، در قبال خواهد داشت.

پایان


مرکز مطالعات استراتژیک و منطقوی یک نهاد مطالعاتی غیردولتی و غیرانتفاعی می‌باشد که در سال ۱۳۸۸ خورشیدی در شهر کابل بنیان نهاده شده است. این مرکز از طریق پژوهش‌های دقیق و بی‌طرفانه خویش به منظور ارزیابی و غنای پالیسی‌ها در افغانستان و منطقه فعالیت می‌کند.

ارتباط با ما:

ایمیل: csrskabul@gmail.com - info@csrskabul.com

وب سایت: www.csrskabul.net - www.csrskabul.com



 : +93780618000

تماس: +۹۳۷۸۰۶۱۸۰۰۰

